[36] خيانتي ديگر حادثه اسفبار ديگری نيز بوقوع پيوست، امام فرماندهی از قبيلهء كنده را بهمراه چهار هزار نفر به انبار فرستاد تا در آنجا فرود آمده وتا رسيدن دستور منتظر باشد، معاويه كه از جريان با خبر شد پيكی را نزد أو فرستاد كه اگر بسوی ما بيائی فرماندهی يكی از نواحی شام يا عراق را بتو وا می گذاريم وپانصد درهم نيز برايش فرستاد، فرماندهء خائن بهمراه دويست نفر از نزديكانش به معاويه پيوست، امام پس از شنيدن اين خبر برای مردم سخن گفت وبی وفائی وخيانتكار بودنشان را متذكر گرديد، و خبر داد كه فرد ديگری را می فرستم أو نيز خيانت می كند، آنگاه مردی از قبيلهء بنی مراد را با چهار هزار نفر گسيل داشت ودر حضور مردم أو را سوگند داد كه خيانت نكند، فرمانده مرادی به انبار كه رسيد همان وعده ها أو را نيز فريب داد وراه سپاه كفر را پيش گرفت، اينگونه خيانتها ديگر روحيه أي برای سربازان باقی نگذارد وزلزله أي در بنيان لشكر پديد آورد. پيامدهای تلخ حوادث سپاه امام آنقدر به پستی گرائيد كه از هر گونه گناه وتباهي پروا نداشتند، اين امور پيامد خيانت رهبران لشكر بود كه بوقوع پيوست: 1 - غارت اردوگاه امام: آنان آنچنان به پستی گرائيدند كه اموال يكديگر را به غارت می بردند وحتی وسائل واثاثيهء امام را به يغما بردند، وبنابر آنچه در بعضی از كتب تاريخي آمده حتی فرشي كه امام بر روی آن _____